

بحث و تبادل نظر

پیرامون متون خطی زبان و ادبیات فارسی

با شرکت: دکتر سید جعفر شهیدی، دکتر علی شیخ الاسلامی، دکتر جلیل تجلیل، دکتر مظفر بختیار،

دکتر میراحمد طباطبایی، دکتر اسماعیل حاکمی، دکتر عباس کی منش، دکتر قاسم صافی

در تاریخ ۱۲ دیماه ۱۳۷۳، به منظور بحث و تبادل نظر پیرامون چگونگی معرفی نسخه‌های نفیس و کمیاب در جهت تعیین اولویت‌ها به تصحیح و نشر متون مهم و آشنایی دانشجویان با این منابع در کارهای تحقیقاتی و تهیه رساله‌های دکتری، جلسه‌ای به دعوت سردبیر نشریه، با حضور آقایان دکتر سید جعفر شهیدی (رئیس مؤسسه لغتنامه دهخدا)، دکتر علی شیخ الاسلامی (رئیس دانشکده ادبیات)، دکتر جلیل تجلیل (رئیس کتابخانه مرکزی) و دکتر عباس کی منش، دکتر عزیزالله جوینی، دکتر مظفر بختیار، دکتر اسماعیل حاکمی، دکتر میراحمد طباطبایی استادان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تشکیل شد.

پس از بحث و گفتگو، موضوع تهیه فهرستواره‌هایی به منظور راهنمایی علاقه‌مندان و معرفی نسخه‌های نادر و نفیس که چاپ و انتشار آنها اولویت دارد مورد تأیید قرار گرفت و مقرر گردید در این زمینه، با پی‌گیری مسوولان کتابخانه مرکزی و جلب همکاری متخصصان و کتابشناسان رشته‌های مختلف، این هدف تحقق یابد.

خلاصه و بخشهایی از مطالب اساسی که در این گردهمایی مطرح شده است، برای اطلاع علاقه‌مندان درج می‌گردد.

دکتر صافی:

ضمن تشکر از قبول دعوت استادان محترم، موضوع بحث، تبادل نظر پیرامون معرفی و شناسایی متون مهم خطی در زمینه علوم انسانی و بویژه در مورد نسخه‌های خطی نفیس و کمیاب متون زبان و ادبیات فارسی است. انگیزه این اندیشه و تشکیل این جلسه به ضرورت آگاهی از کیفیت گنجینه سرشار کتابخانه که از بدو تأسیس به تدریج فراهم شده بر می‌گردد و لازم است نسخه‌ها و اسناد نفیسی که انتشار آنها، یا تحقیق درباره آنها اهمیت و اولویت خاص داشته باشد، به علاقه‌مندان معرفی شود. زیرا بسیاری از آثار نفیس و قابل توجه، هنوز چنانکه باید، شناخته شده نیستند. پژوهندگان گاه بنا به سلیقه و ذوق شخصی و با آشنایی محدود، نسخه‌هایی را شناسایی و معرفی کرده یا چاپ و منتشر ساخته‌اند، تعدادی از دانشجویان نیز که در سطوح کارشناسی ارشد و دکترا تحصیل می‌کنند علاقه‌مندند با نسخه‌هایی که تحقیق درباره آنها در اولویت است، آشنا شوند و با تصحیح و طبع آن، موجبات بهره‌وری بیشتر از آن را فراهم سازند. تا آنجایی که در حد اطلاعات باشد، با استفاده از حافظه و با ملاحظه نهرستها، این همیاریها صورت گرفته است، اما به نظر می‌رسد به منظور راهنمایی دقیق و جامع پژوهشگران، شایسته است که از دانستنیها و آگاهیهای استادان محترم و سایر افراد مطلع و صاحب‌نظر در رابطه با متون خطی استفاده شود و راهنمایی‌هایی که در این زمینه می‌فرمایند، مورد توجه قرار گیرد. این جلسه به قصد تشریح این هدف تشکیل شده و رئوس مورد بحث به این شرح است:

- ۱- چگونگی شناسایی و معرفی اسناد متون خطی مهم مربوط به زبان و ادبیات فارسی به دانشجویان علاقه‌مند.
- ۲- شناسایی و معرفی متون خطی زبان و ادبیات فارسی به علاقه‌مندانی که آمادگی تصحیح، و انتشار آنها را دارند.
- ۳- تدوین شناسنامه برای متون خطی‌یی که محققان در حال تصحیح و تحقیق درباره آنها هستند، برای پیشگیری از دوباره کاریهایی که غالباً در این زمینه صورت می‌گیرد.

دکتر شهیدی:

توجه مسوولان محترم کتابخانه در دعوت از صاحب نظران برای بحث و بررسی درباره این مسائل موجب تشکر و قدردانی است. اما مطلب مهم در مورد مسائلی که مطرح فرمودید، این است که دقیقاً مشخص شود کدام یک از موارد، بیشتر جزو وظایف کتابخانه است. البته کتابخانه مرکزی به عنوان يك کتابخانه بزرگ و معتبر دانشگاهی که مرجع عمده همه محققان و استادان و دانشجویان است وظیفه راهنمایی مراجعان و مخصوصاً دانشجویان را هم در حدی که مربوط به وظایف کتابخانه می شود باید برعهده داشته باشد، ولی تعیین موضوع پایان نامه های تحصیلی از وظایف استادان دانشکده است. به هر حال، اگر منظور این باشد که با این اقدام در جهت کارهای دانشگاهی يك هماهنگی بین کتابخانه و استاد و دانشجو به وجود آید فکر و نیت بسیار خوبی است. مسلماً گروه و استادان برای تعیین موضوع رساله ها و تصمیم گیری و راهنمایی باید بدانند چه نسخه های معتبر یا متونی که تحقیق درباره آنها و تصحیح آنها اولویت دارد در کتابخانه وجود دارد. البته این کار با تفحص در فهرست کتابخانه هم میسر است و خیلی از استادان هم در رشته های خود به این کار تسلط دارند. اما تهیه فهرست جامع و دقیقی از این نوع نسخه ها، کار را آسان تر می کند. پس در ضرورت معرفی این آثار به صورت جداگانه هیچ ایرادی نیست و بسیار هم مفید و سودمند است. فقط باید توجه فرمایید که این فعالیتها از حدود وظایف اصلی کتابخانه خارج نشود. موضوع نشر متون هم مطلب دیگری است. درباره پیشگیری از دوباره کاری در چاپ متون، اول باید روشن شود که منظور از دوباره کاری چیست؟ اگر لازم باشد بعضی از متون مهم برحسب اهمیت آنها براساس نسخه های معتبرتر دوباره تصحیح و چاپ شود، در این کار هیچ اشکالی به نظر نمی رسد و اگر درست انجام گیرد بسیار هم مفید است و نمی شود به آن دوباره کاری اطلاق کرد. به هر حال، آنچه در کل مطرح فرمودید ضروری و لازم به نظر می رسد، بنده هم به سهم خود حاضرم در این زمینه هر نوع همکاری لازم داشته باشم.

دکتر شیخ الاسلامی:

از مجمعه‌هایی اینچنین باید استقبال کرد و چقدر خوب و بسزاست که کتابخانه مرکزی با استفاده از امکانات خود و نظر استادان، اطلاعات لازم را در اختیار دانشجو و دانشپژوه بگذارد و کار دانشجو و محقق را راه بیندازد. نظر من این است که نسبت به استفاده از امکانات و مراجع و مآخذی که با حضور همکاران ادبی و علمی وجود دارد، کار شود و در تنظیم رساله‌ها مورد استفاده قرار گیرد. بخصوص با زمینه‌های تجربی و پژوهشی‌یی که آقای دکتر صافی دارند، بهتر است این کار دنبال شود. هنوز هم بسیاری از مآخذ ناشناخته وجود دارند و گاهی يك کلمه از يك نسخه به داد استاد می‌رسد که وی را در حل مشکلات متن خیلی کمک می‌کند مثل بعضی از نسخه‌های ارزنده‌ای که از تاریخ بیهقی وجود دارد. امروزه گسترش دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا در مجموعه مملکت ما مهم است و باید دقت لازم در این زمینه داشته باشیم، والا به آشفتگی عجیب و غریبی خواهد انجامید. و سرانجام این جریان پیوسته و هماهنگ تبدیل به جریان گسسته خواهد شد. و پیش از اینکه معیارهای ادبی بروز داده شود. سلیقه‌های شخصی نشان داده خواهد شد و حتی در امور درسی تأثیر خواهد گذاشت. سامان بخشیدن به رشته فارسی، به عنوان جریان هماهنگ، قاعدتاً مربوط به گروه ادبیات دانشگاه تهران می‌شود. خوشبختانه تلقی عموم دانشگاهیان کشور هم، همین است. با توجه به این امر، مجمعه‌های اینچنین از يك سمت با مسائل آموزشی و روانی و ادبیات فارسی گره می‌خورد و از سمت دیگر با گنجینه ذخایر ادبی و اسلامی پیوستگی دارد. اگر نظریاتی راجع به کیفیت بهره‌مندی دانشجویان از این کتابخانه و آشنا کردن و استفاده دانشجویان هست، باید ضمن تبادل نظر، به یک نتیجه و ساماندهی برسیم. در این نیاز که دانشجو برای تنظیم و مرتب کردن رساله، راهنمایی می‌خواهد جای تردید نیست، از هر دیدگاه که باشد، شیوه و موضوع و نحوه استفاده از مراجعه را باید به دانشجو بیاموزیم. ما می‌توانیم يك راهنمای موضوع رساله و پایان‌نامه تهیه کنیم که خلاءها را بنمایاند و موضوعات را در اختیار دانشجو بگذارد و کار دانشجو را راه بیندازد و در انتخاب موضوع معین باشد چه تکرارهایی شده است که خبر از آن هم ندارند شأن گروه فارسی اقتضاء می‌کند که این کار تنظیم و برنامه‌ریزی شود. و به نظر من بهتر است که این امکانات و مراجع و مآخذ با استفاده از مسؤولان ادبی و علمی به کار گرفته در تهیه رساله‌ها استفاده شود. و از زمینه‌های تخصصی کتابشناسی همکار محترم آقای دکتر صافی استفاده کرد.

دکتر تجلیل:

کتابخانه دانشگاهی اهداف معینی دارد و استادان محترم مستحضرنند که زمینه مطالعه و استفاده بسیاری از استادان و اهل علم و پژوهندگان است و ما موظفیم همانطور که در این جلسه ملاحظه می فرمائید، نظر استادان را جلب کنیم و در بسیج استادان و مجامع دانشگاهی گامهایی برداریم. توفیقی که از کتابخانه مرکزی می رود، بیش از آنچه است که در چند سال پیش ملاحظه می شده است، امروز تفاوت کیفی و کمی بسیار یافته است. اگرچه این مرکز به دانشگاه تهران تعلق دارد و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران گفته می شود، ولی مراجعین آن از همه طبقات علمی و از همه کتابخانه ها هستند و مرکزی شده برای تامین مطالعات دانشجویان و محققان دانشگاههای کشور. ما بناگزر درصدد گسترش این کتابخانه هستیم و ایجاب می کند نظر استادان و دانشجویان و مراجعین را جلب کنیم. درصددیم همچنان پژوهش و نشریاتی قویتر از گذشته داشته باشیم که مهمترین آنها ارائه رهنمود و ارزشهاست. بدین منظور، طرحهایی لازم است که آقای دکتر صافی در این فکرند که با همکاری یکدیگر و شما استادان ارجمند، در این زمینه پیشرفتی داشته باشیم و خدمتی به جامعه ارائه دهیم. تدوین شناسنامه برای متون مهم خطی کتابخانه از جمله هدفهاست که امیدواریم با بحث و تبادل نظری که در این جلسه داریم، به نتایج و روشهای مطلوب برسیم.

دکتر حاکمی:

گنجینه نسخ خطی کتابخانه مرکزی بسیار غنی است و شامل کتابها، اسناد و مدارک بسیار ارزنده است و اقتضا می کند تسهیلات و امکانات بیشتر فیلم و عکس از نسخ خطی برای استفاده علاقمندان فراهم شود. این مرکز به واقع مرجع مهمی برای دانشجویان فوق لیسانس و دکتری در امر تدوین پایان نامه است. البته کتابخانه های دیگر هم هست اما این کتابخانه، بیشتر محل مراجعه است و خانه امید محققان است، پیوستن در جهت ایجاد تسهیلات ممکن برای در اختیار قرار دادن امکانات آن از اولویتهاست و امیدواریم با همتی که در تشکیل این جلسه

مبذول شده است این کتابخانه با سبک مؤسسات پژوهشی دانشگاه بیش از پیش موفق باشد و در مورد معرفی نسخه‌های خطی عرض کنم که این کار، یک امر اساسی و بسیار ضروری است و مخصوصاً استادان، دانشجویان و بویژه دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری باید در جریان قرار بگیرند زیرا بسیاری از نسخه‌ها را می‌توان موضوع پایان‌نامه قرار داد. بنده هم به سهم خود آماده همه نوع همکاری هستم.

دکتر کی منش:

همان طور که استادان محترم اطلاع دارند، کتابخانه مرکزی واقعاً مجموعه گسترده‌ای از نسخ خطی، میکروفیلم‌ها و عکسها و مدارک بسیار ارزنده‌ای از موارث فرهنگی مان در اختیار دارد و این توجهی که اکنون شده و این جلسه اختصاص یافته به تبادل نظر پیرامون متون خطی قابل ارائه به دانشجویان فوق لیسانس و دکترا در رشته زبان و ادبیات فارسی و یا پژوهندگان این رشته، موجب خوشبختی و درخور تقدیر است. شناسایی برخی از متون، بدون تردید کمک جنبی برای دانشجویان و امر تقویت کننده‌ای برای مطالعات و ذوقیات دانشجویان است. اهل علم از جمله جاهایی که مراجعه می‌کنند، کتابخانه مرکزی است. البته گاهی به کتابخانه‌های مجلس و به کتابخانه‌های دیگر هم مراجعه می‌کنند و جسته گریخته به خود بنده هم مراجعه می‌کنند. چند بار نامه‌ای به گروه ادبیات نوشتم که دانشجویان را در معرفی متون و ایجاد تسهیلات لازم برای آنها بذل توجه فرمایند و نیز زمینه مساعدی فراهم شود که طالبان میراث فرهنگی بتوانند از امکانات کتابخانه مرکزی با آسودگی خاطر استفاده کنند. به هر حال، این طرح که مطرح شده است کار بسیار لازم است و من امیدوارم با پیگیری این کار، تسهیلاتی برای دانشجویان و دانشوران فراهم شود.

دکتر بختیار:

من به کلیات نمی پردازم. محققان و دست اندرکاران و علاقه مندان به اسناد و نسخه های خطی، خود کما بیش با این گونه امور و مسائل مرتبط با آن آشنا هستند. من چند سال به علت مأموریت دانشگاهی از محیط دور بودم و چندان در جریان شرایط کنونی نیستم، اما تا آنجا که از قبل اطلاع دارم نسخه ها و میکروفیلم های ثبت شده و موجود در کتابخانه، چه به صورت فهرستهای مستقل و چه در نشریه نسخه های خطی یا نشریه کتابداری، غالباً فهرست و معرفی شده بود. اما به طوری که پیش از این خود شاهد بودم مشکل اساسی در فهرست نویسی تحلیلی (Anotation) اسناد کتابخانه بود که ظاهراً هنوز هم باید این مشکل وجود داشته باشد. زیرا فهرست نگاری اسناد، فرمانها و نامه های تاریخی خبرگی و تسلط و تخصصی ویژه در رشته های مختلف سند شناسی مانند شناخت رجال، توانایی خواندن انواع خطهای تحریری منشیانه و سیاق، خواندن طغراها و سجع مهرها و آشنایی با چگونگی کاربرد مهرهای گوناگون و تطبیق آنها با هویت رجال و صاحبان مهرها، داشتن ذهن و زمینه تاریخی و دانستن اصطلاحات دیوانی قدیم و استیفا و غیره و غیره لازم دارد و از هر کسی ساخته نیست. بنابراین گنجینه غنی اسناد، نامه های تاریخی و طومارها یا دستکهای بسیار ارزشمند ثبت خلاصه فرمانها که در کتابخانه موجود است همچنان معرفی نشده و ناشناخته مانده است. پس با توجه به موضوع بحث مجلس در تعیین اولویتها و کشیده شدن سخن به این مطلب لازم است به عنوان یکی از مهمترین موارد، توجه مسؤولان محترم کتابخانه نسبت به اولویت معرفی علمی اسناد تاریخی جلب شود.

مطلب دیگری که مایلم مخصوصاً خاطر نشان محققان و مسؤولان کتابخانه سازم، این است که بسیاری از میکروفیلم ها و نسخه های عکسی کتابخانه از بسیاری از نسخه های خطی و دستنویس های موجود نایاب تر و گرانقدرتر است (البته من میکروفیلم را در همین مفهومی که رایج و مصطلح شده به کار می برم، نه در معنی فنی و دقیق آن). مقدار زیادی از این کتابها و اسناد عکسی در زمانی و در شرایطی به انتخاب و تشخیص آگاهانه کارشناسان برجسته کتابشناسی و نسخه های خطی از

روی نسخه‌های نفیس موجود در کشورهای دیگر برای کتابخانه عکسبرداری شده که اینک آن شرایط تغییر کرده و آن امکانات شاید دیگر به وجود نیاید چنانکه حالا بسیاری از آن کتابخانه‌ها و دارندگان نسخه‌ها حتی اجازه دیدن بعضی از این نسخه‌ها را هم ممکن است ندهند، چه رسد به عکسبرداری از آنها. چند سال قبل یکی از محققان و استادان معروف خارجی نامه‌ای به من نوشت و دوستانه درخواست کرد برای تهیه کپی از میکروفیلمی در کتابخانه مرکزی، او را کمک و راهنمایی کنم. این درخواست برای من خیلی تعجب‌آور بود زیرا آن استاد به دعوت یکی از دانشگاه‌های معتبر برای تدریس در همان کشوری اقامت داشت که اصل نسخه در یکی از کتابخانه‌های مشهور دولتی آنجا نگهداری می‌شود. تصور کردم اشتباه کرده باشد ضمن توضیح مطلب، مشخصات و اطلاعات دقیق‌تری از او خواستم. در جواب نوشت اشتباه نکرده و ناچار شده است، زیرا اکنون اجازه عکس گرفتن، حتی یادداشت برداشتن، از روی آن نسخه که فیلم کامل آن سالها قبل برای کتابخانه مرکزی تهیه شده بود، داده نمی‌شود. پس، این گونه فیلم‌ها و صدها نسخه عکسی دیگر که فیلم آنها در کتابخانه وجود ندارد و از اول به صورت نسخه عکسی یا فتوکپی تهیه شده، در حکم نسخه نفیس خطی و با توجه به امکان نداشتن دسترسی و عکسبرداری از بسیاری از آنها در شمار نسخه‌های منحصر به فرد است. ولی متأسفانه به روش معمول در سایر کتابخانه‌ها فیلم مادر از آنها تهیه نشده و دست فرسودگی‌ها و استفاده‌های مکرر و غالباً بدون رویه از آنها هنگام تکثیر یا فیلم‌خوانی در دستگاه فیلم نما (Filmstrip viewer) از هر جهت و غالباً تا حد ناپودی و غیر قابل استفاده شدن به آنها آسیب رسانده و خواهد رسانید. جا به جا شدن فیلم‌های بدون برچسب هم در محفظه‌ها که باعث نایافتن آنها می‌گردد، خود مزید بر علت گشته است.

منظور من از پیش کشاندن این مطلب این بود که اگر قصد معرفی تفاسیر کتابخانه است، معرفی فیلم‌ها، میکروفیلیم‌ها و نسخه‌های عکسی ممتاز، هم از لحاظ کتابخانه و هم برای مراجعان و علاقه‌مندان، ضروری است. مختصراً با در نظر داشتن این نکته که فهرست چند جلدی میکروفیلیم‌ها و نسخه‌های عکسی

کتابخانه مرکزی طبق روش جاری در تدوین این نوع فهرستها به صورت تحلیلی نیست، زیرا رسم بر این است که فهرست فیلم‌ها و نسخه‌های عکسی به صورت اجمالی نوشته شود تا خواستاران و علاقه‌مندان در صورت لزوم، با در دست داشتن مشخصات برای یافتن اطلاعات بیشتر، به فهرس‌نامه‌های کتابخانه‌هایی که اصل نسخه در آنجاست مراجعه نمایند. ولی از آنجا که برخی از کتابخانه‌های اصلی که فیلم و عکس از روی نسخه‌های آنها تهیه شده‌اند، فهرست منتشر شده ندارند گاه این اجمال موجب به اشتباه افکندن حتی خبرگان و کارشناسان هم شده است. مثلاً گاه برای صرفه‌جویی میکروفیلم چند کتاب و رساله جداگانه دنبال هم گرفته می‌شود که از نظر خواننده میکروفیلم مجموعه واحد تلقی می‌شود و باعث اشتباهاتی در تعیین هویت و تاریخ کتابت و جایگاه و قدمت نسخه و بسیاری از موارد و مسایل غیر قابل اجتناب دیگر در نسخه‌شناسی می‌گردد.

یکی دیگر از اولویتها، معرفی گنجینه‌ها و نفائس هنری کتابخانه مرکزی است. فهرستهای منتشر شده کتابخانه که بیشتر ناظر بر کتابشناسی (Bibliography) نسخه‌هاست، نشان دهنده ارزشهای هنری و نسخه‌شناسی (Codology) نیست. مثلاً نسخه‌نی نامه جامی که در کتابخانه مرکزی است، از دیدگاه هنری در نوع خود در جهان یگانه و بی‌همتاست. این مرقع در نیمه قرن دهم به خط میرعلی هروی خوشنویس نامدار اوایل، کتابت شده و دو قرن بعد محمد هادی استاد بزرگ تذهیب و کتاب آرائی آنرا مرقع‌بندی و زرنگار نموده و نقاش و جلد آرای نامدار علی اشرف جلد مرقع را نقاشی و جلدگری کرده. از هر جهت نظیری برای این مرقع نفیس نمی‌شناسیم که يك نسخه توسط سه استاد بزرگ نامدار آنها با فاصله زمانی چند قرن بطور مشترك کتابت و کتاب آرائی شده باشد و کار هر يك نیز شاهکار مسلم و کارنامه هنری آنان بشمار آید. ولی فهرست کتابخانه بهیچ وجه نشان دهنده این ارزش‌های خاص الخاص و ویژه اندر ویژه نیست. همین طور نسخه‌هایی مانند مساز الشیعه شیخ مفید، کناش منصورى رازی، حلال مطرز شرف الدین علی یزدی، مطالع الانوار شفتی یا کتاب محمود شیرازی بهارلو که از لحاظ شیوه نقاشی‌های خاص آن در نوع خود ممتاز است و بسیاری نفائس دیگر از جنبه‌های مختلف کتاب

آرایی و خوشنویسی و هنری و جلد آرایی بطور شمایسته معرفی نگردیده و حق آنها ادا نشده و نشناخته شده نیستند.

به هر حال همه این موارد و جهات دیگری که استادان محترم طی بیاناتشان در همین جلسه تذکر دادند و توصیه فرمودند نشان دهنده ضرورت معرفی دقیق نسخه‌ها و اسناد نفیس و یگانه کتابخانه توسط اهل فن طی فهرستها و فهرستواره‌های خاص و جداگانه است. همه کتابخانه‌ها و موزه‌های بزرگ جهان به این امر مهم توجه دارند و علاوه بر انتشار فهرستهای عمومی، نفائس خود را جداگانه به صورت تحلیلی و بطور مشروح و فنی معرفی می‌نمایند و مایه خوشوقتی و مباهات است که در همه این آثار نیز نسخه‌های فارسی و ایرانی همیشه در صدر نفائس خطی کتابخانه‌های جهان قرار دارد و هیچ فرهنگی در جهان در این زمینه با ما برابری نمی‌کند بلکه در این راه به‌گرد ما هم نمی‌رسد.

البته کتابخانه مرکزی در زمینه معرفی نسخه‌های نفیس گنجینه، کوشش‌هایی داشته. خود من سلسله مقالاتی در نشریه کتابداری در معرفی نسخه‌ها و آثار ممتاز هنری کتابخانه نوشته‌ام. در حدود بیست سال پیش نیز فهرستواره‌ای اجمالی از نمونه نسخه‌های نفیس موجود در کتابخانه به همت استاد ایرج افشار که باید حق گزارانه از سهم عمده ایشان در تکوین و بنیادگذاری کتابخانه قدردانی و یاد شود انتشار یافته. خود آقای دکتر صافی، فهرست عکس‌های تاریخی و قدیمی گنجینه عکس کتابخانه را منتشر ساخته‌اند. با اینهمه با توجه به غنای نفائس کتابخانه و اسناد و آثار و نسخه‌های ارزنده‌ای که هنوز چنانکه باید از جهت ارزش‌های ویژه خود معرفی نشده، لازم است کوشش‌های بسیار بیشتر و گسترده‌تری با برنامه‌ریزی سنجیده و با جلب همکاری کتابشناسان صاحب نظر در این زمینه بکار بسته شود. تشکیل همین جلسات، طلیعه این امید و نمودار توجه و علاقه مسؤولان محترم کتابخانه مرکزی نسبت به این امر مهم و در واقع معرفی و شناخت بخشی از میراث‌های عظیم و ناشناخته مانده فرهنگ ماست. از خدا خواهیم توفیق «عمل».

دکتر طباطبایی:

در تایید گفته‌های ایشان یادآوری این نکته را ضروری میدانم که هر وقت از زبان فارسی و آثار نفیس جاودانی این زبان، سخن به میان آید ما فقط به قلمرو رواج زبان فارسی در داخل کشور عطف توجه می‌کنیم و کمتر به شرح نفوذ و اعتبار زبان و ادبیات فارسی در خارج از مرز ایران می‌پردازیم. و حال آن که در دهها کشور خارجی - انستیتوها و دانشکده‌های خاورشناسی و ایرانشناسی هر سال به آموزش زبان و ادبیات فارسی به صدها دانشجو که دلدادۀ زبان فارسی هستند همت می‌گمارند و دهها ایران‌شناس دانشمند خارجی به شغل شریف خود که تدریس زبان فارسی به جوانان است مباحثات می‌کنند. و به تناسب این موضوع کتابخانه‌های مورد نیاز پژوهشگران که شامل کتب چاپی و نسخه‌های نفیس خطی است در دسترس استفاده همگان قرار داده‌اند. در این باره فقط از جمهوریهای سابق شوروی به عنوان نمونه یاد می‌کنیم: کتابخانه گرانبهای تاشکند در ازبکستان و کتابخانه سن پترزبورگ (لنین گراد سابق) و کتابخانه خاورشناسی مسکو، مزین به کتب پرارزش خطی درباره انواع علوم انسانی با قدمت تاریخی است.

در جنگ ایران و روس در زمان فتحعلیشاه قاجار، لشکر تاراجگر روس صدها کتاب نفیس خطی ما را از کتابخانه مشهور اردبیل به غارت بردند. بعضی کتب را در کتابخانه‌های سن پترزبورگ و مسکو و برخی را در کتابخانه تاشکند جای دادند و خودشان هرگز پی نبردند چه گنجینه نایابی در این کتابخانه‌ها جای داده‌اند. اکنون که دستگاه حکومتی شوروی متلاشی شده و جمهوریهای آن استقلال یافته‌اند فرصت مناسبی به دست ما آمده است که با این جمهوریها، بخصوص ازبکستان و تاجیکستان... مبادلات کتاب و میکروفیلم برقرار کنیم و هیأت‌های علمی به آن صفحات اعزام داریم تا به بازدید این کتابخانه‌ها و بررسی نسخ نفیس خطی (مخصوصاً در تاشکند و سن پترزبورگ) پردازند و از برخی کتب گرانبهای قدیمی، فتوکپی بدست آورند.